

طرح براندازی در حقوق کیفری ایران، مصر و انگلستان

دکتر حسین آقابائی*

چکیده

حساسیت و ویژگی جرایم علیه امنیت کشور سیاست کیفری خاصی را در نظام‌های سیاسی مختلف به دنبال داشته است. یکی از این ویژگی‌ها جرم انگاری اعمال مقدماتی و تمهیدی علیه امنیت کشور است که در صورت فعلیت یافتن امکان کنترل و مقابله را از حکومت می‌گیرد. طرح براندازی حکومت گونه‌ای از عملیات مقدماتی برای سرنگونی نظام سیاسی مستقر است که در نظام‌های سیاسی ایران، مصر و انگلستان جرم انگاری شده و با پاسخ شدید کیفری همراه است. طبیعت این جرم و چگونگی پاسخ به آن در نظام‌های مورد اشاره در این مقاله بررسی شده است.

کلید واژه‌ها:

طرح براندازی، تبانی، جرم انگاری، خشونت سیاسی، بغی، محاربه.

* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه گیلان.



الف- مقدمه و طرح موضوع:

جرم انگاری براندازی حکومت و تلاش در راستای برهم زدن نظم سیاسی مستقر از نتایج مستقیم وجود حکومت و حق سروری بر شهروندان است. فارغ از این که حق حاکمیت و فرمان فرمایی چگونه تحصیل شده و آیا قدرت و نظم مستقر مشروعیت دارد یا خیر، در همه‌ی نظام‌های سیاسی سرنگونی نظام سیاسی جرم دانسته شده و با واکنش شدید کیفری مواجه است. در دوران جدید ایدئولوژی‌های سیاسی به عنوان مبنای نظام‌های سیاسی در صدد برآمده‌اند که با مشارکت دادن شهروندان در ایجاد ساختار سیاسی و نظم حقوقی و تنظیم و قانونی کردن مخالفت با حکومت، ساز و کاری مسالمت‌آمیز برای تغییر حاکمان یا رویه‌های حکومتی پیش‌بینی نمایند و بدین طریق از اقدامات خشونت‌آمیز برای مشارکت در قدرت و تعیین سرنوشت پیش‌گیری نمایند. بدین ترتیب با افزایش مشارکت اجابتی شهروندان در ایجاد و استقرار نظام‌های سیاسی از شدت و گستره‌ی مشارکت سلبی آن‌ها در سرنگونی و براندازی حکومت‌ها کاسته شده است. در عین حال در تمام نظام‌های حقوقی معاصر اقدام فرا قانونی و توسل به خشونت برای براندازی حکومت و در مواردی اقدامات مقدماتی در این مورد جرم انگاری شده است. در مقررات کیفری فعلی ایران «طرح براندازی» و تهیه‌ی سلاح و تجهیزات برای براندازی حکومت جرم دانسته شده که در اینجا به صورت مختصر شرایط و ارکان این جرم را همراه با مطالعه‌ی تطبیقی موضوع در حقوق مصر و انگلستان بررسی می‌کنیم.

ب - جرم انگاری طرح براندازی

در ماده‌ی نخست اولین قانون موضوعه‌ی کیفری ایران که توسط رئیس پلیس تهران و تبعه‌ی ایتالیا به نام کنت دو مونت فرت^۱ و به درخواست ناصرالدین شاه قاجار تدوین شده،^۲ آمده است: «کسی که برخلاف پادشاه یا خانواده‌ی سلطنت حرف بزند و یا این‌که در ضد پادشاه یا خانواده‌ی او خیال بد رفتاری و تحریک بد در نظر داشته باشد، بعد از تحقیق و ثبوت از یک سال الی پنج سال به درجه‌ی تقصیرات، مقصر با زنجیر محبوس خواهد شد.»



پس از نهضت مشروطه براساس اصل ۳۵ متمم قانون اساسی مشروطیت آمده بود: «سلطنت و دیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص شاه تفویض شده» و در ماده‌ی ۶۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تنها قیام مسلحانه علیه حکومت جرم انگاری شده بود. در سال ۱۳۱۰ در مواد ۱ و ۲ قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت، علاوه بر قیام مسلحانه علیه حکومت، تشکیل دسته یا جمعیت که مرام یا رویه‌ی آن ضدیت با سلطنت مشروطه یا رویه و مرام آن اشتراکی است، نیز جرم دانسته شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد با توجه به تحولات سیاسی پس از قیام مشروطه و بعد از استقرار و تثبیت نظام سلطنت، از دیدگاه قانون‌گذار براندازی دو مصداق دارد؛ یکی قیام مسلحانه علیه حکومت و دیگری فعالیت احزاب و گروه‌هایی که رویه و مرام ضد سلطنت دارند که اولی به صورت مسلحانه و دومی به صورت خزنده و آرام حکومت سلطنتی را تهدید می‌کرد.

در سال ۱۳۱۸ در مواد ۳۱۷ و ۳۱۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش به سوء قصد به جان شاه به نیت بر هم زدن اساس حکومت یا ترتیب وراثت تخت و تاج و توطئه و تبانی بین دو یا چند نفر برای وصول به اهداف مذکور اشاره شده است. عبارت ذیل ماده‌ی ۳۱۸ که هر گونه توطئه و تبانی برای وصول به هدف براندازی سلطنت را جرم می‌داند، صریح‌ترین عبارتی است که می‌توان به عنوان رکن قانونی هر گونه طرح براندازی در مقررات کیفری قبل از انقلاب اسلامی ذکر کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران، در قانون حدود و قصاص سال ۱۳۶۱ برای اولین بار در قوانین کیفری ایران عبارت «براندازی» و «طرح براندازی» مطرح و جرم انگاری شد. در ماده‌ی ۱۹۹ قانون حدود و قصاص (ماده‌ی ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی) آمده است:

«هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آن‌ها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند».

همچنین طبق ماده‌ی ۲۰۰ قانون حدود و قصاص (ماده‌ی ۱۸۸ ق.م.ا):



«هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است.»

بدین ترتیب در مقررات کیفری فعلی ایران هر گونه طرح براندازی و تمهید مقدمات برای براندازی از جمله قبول نامزدی برای به عهده گرفتن سمتی حساس در کودتای احتمالی جرم دانسته شده است.

در حقوق مصر براساس ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات ۱۹۲۲: «شروع در قلب یا تغییر قانون اساسی، شکل حکومت یا نظام پادشاهی موروثی» جرم دانسته شده است. در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۵۷ هم‌زمان با تحولات سیاسی مصر از جمله کودتای جمال عبدالناصر در ۱۹۵۲ تغییراتی در نظام سیاسی و قوانین کیفری ایجاد شد و از جمله در ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات ۱۹۵۷: «تلاش برای براندازی نظام جمهوری یا قانون اساسی یا شکل حکومت» جرم دانسته شد. علاوه بر تغییر عبارت «مسند الخدیویه المصریه» به «نظام جمهوری»، عمده تفاوت قانون ۱۹۲۲ با قانون ۱۹۵۷- که در حال حاضر هم در مصر معتبر است- این است که در قانون سابق «شروع به براندازی» نظام سلطنتی جرم دانسته شده بود ولی در قانون معتبر فعلی «محاولة قلب نظام» به معنی تلاش برای براندازی نظام^۲ جرم‌انگاری شده است.

در حقوق جزای انگلستان عنوان مجرمانه‌ای که جهت سرکوب حرکت‌های براندازی مطرح بوده، «خیانت»^۴ به پادشاه بوده و مقررات قدیمی این کشور- که در حال حاضر هم به عنوان رکن قانونی جرم براندازی مورد استناد قرار می‌گیرد- «قانون خیانت ۱۳۵۱»^۵ است. در این قانون هر چند طرح براندازی به صورت صریح مطرح نشده، بعضی حقوق‌دانان انگلیسی در تفسیر بند اول ماده‌ی ۱ قانون مذکور که به قصد کشتن پادشاه اشاره دارد، قصد پایان دادن به حیات سیاسی شاه یا ملکه را هم- که از طریق طرح ریزی انقلاب یا طغیان داخلی و یا تحریک بیگانگان دارای روابط حسنه با انگلستان برای به حمله به این کشور قابل تحقق است- از مصادیق خیانت دانسته‌اند.^۶ در این وضعیت نکته‌ای که اشاره به آن ضرورت دارد، بیان معنای طرح‌ریزی براندازی و بیان نوع و کیفیت رفتاری



است که در نظام‌های حقوقی مذکور تحت عنوان طرح براندازی جرم انگاری شده است.

ج- طبیعت رفتار مجرمانه

همان‌گونه که اشاره شد، براساس ماده‌ی ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی ایران: «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند ... محارب و مفسد فی الارض است». از نظر تحلیل حقوقی، ریختن طرح و تهیه‌ی ابزار و وسایل مورد نیاز جهت عملیاتی کردن طرح، همگی به عنوان اعمال مقدماتی یا تمهیدی جهت انجام جرم محسوب می‌شوند و می‌توانیم تعبیر کنیم که طراحی یک جرم و تهیه‌ی وسایل در حد شروع به عنوان «شروع به جرم» است که علی‌الاصول این مقدار رفتار در جرایم عادی قابل تعقیب و رسیدگی نیست و کسی را صرفاً به دلیل تفکر مجرمانه و تهیه‌ی مقدمات آن مرتکب آن جرم نمی‌دانند؛ ولی ویژگی جرایم علیه امنیت؛ و حساسیت حکومت‌ها نسبت به این قبیل جرایم؛ و این‌که اصولاً تعقیب جرم براندازی در فرض عدم وقوع امکان‌پذیر است، قانون‌گذار ایران به دنبال ماده‌ی ۱۸۶ ق.م.ا- که قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی را جرم می‌داند- در ماده‌ی ۱۸۷ قانون مذکور طرح‌ریزی براندازی و تهیه‌ی مقدمات را هم جرم دانسته است. بحثی که در این‌جا اهمیت دارد و در تألیفات حقوقی موجود جای آن خالی است، این است که:

اولاً: مقصود از طرح براندازی چیست و آیا قانون‌گذار صرفاً به طرح‌های براندازی با توسل به خشونت و سلاح اشاره دارد یا هرگونه طرح و لو به صورت مسالمت آمیز هم مورد توجه قانون‌گذار است؟

ثانیاً: چه مقدار رفتار مجرمانه و یا تظاهر بیرونی^۷ برای تحقق جرم موضوع این ماده ضرورت دارد و ارتباط این ماده با ماده‌ی ۷۱۰ ق.م.ا- که بحث تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت را مطرح می‌کند- چیست؟

برای پاسخ به این سؤال‌ها و روشن شدن جوانب بحث به بررسی تطبیقی این جرم در حقوق مصر و دیدگاه حقوق‌دانان این کشور می‌پردازیم.





قانون‌گذار مصر در ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات اصلاحی ۱۹۵۷ می‌گوید: «هر کس برای واژگونی یا تغییر قانون اساسی، نظام جمهوری یا شکل حکومت با توسل به زور تلاش کند، به مجازات حبس با اعمال شاقه به صورت دائمی یا موقت محکوم می‌شود»؛^۸ در این ماده کلمه‌ی «حاول» استعمال شده که از نظر لغوی به معنای «در صدد برآمدن، تلاش کردن، سعی کردن و طرح ریزی کردن» آمده و «محاولة الاطاحه» به معنای تلاش برای براندازی و «محاولة الاغتيال» به معنای طرح ترور ترجمه شده است.^۹

از نظر اصطلاحی از دیدگاه بعضی حقوق‌دانان مصری با توجه به مراحل سه‌گانه‌ی تکوین عملیات مجرمانه یعنی اعمال مقدماتی، شروع به جرم و جرم تام، «محاولة» مرحله‌ی خاصی است که باید به این مراحل سه‌گانه اضافه شود و مکان طبیعی آن بین اعمال مقدماتی و شروع به جرم است. بنابراین محاولة شروع در شروع به جرم است.^{۱۰}

از نظر بعضی حقوق‌دانان مصری وقتی قانون‌گذار کلمه‌ی محاولة را استعمال می‌کند، مقصود او جرم اعلام کردن شروع به جرم است و می‌خواهد شروع به جرم را همانند جرم تام مجازات کند و نیازی نیست بگوییم محاولة بین اعمال مقدماتی و شروع به جرم است.^{۱۱} علاوه بر این قانون‌گذار به دنبال کلمه‌ی «حاول» کلمه‌ی «قوه» را آورده است؛ یعنی هر کس با توسل به زور و قدرت در جهت براندازی یا تغییر نظام جمهوری یا قانون اساسی و شکل حکومت تلاش کند، مجرم و قابل تعقیب است. مقصود از توسل به قوه، توسل به راه‌های غیر قانونی در جهت نیل به مقصود است و از ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات مصر برمی‌آید که قلب یا تغییر قانون اساسی یا نظام جمهوری از راه‌های غیر مشروع و فراقانونی جرم است و از نظر این ماده، با نوشتن و بحث کردن در باره‌ی تغییر قانون اساسی یا نظام حکومتی مصر جرم محقق نمی‌شود.^{۱۲}

نتیجه این‌که حقوق‌دانان مصری در تحلیل ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات این کشور- که طرح براندازی را مطرح کرده است- رفتار مجرمانه‌ی لازم جهت تحقق جرم را در حد شروع به جرم و اقدام عملی در راستای براندازی تعبیر و تفسیر کرده‌اند و صرف طراحی شفاهی یا کتبی و تبانی و تشکیل جلسات و مجامع و تبادل افکار در جهت براندازی حکومت یا تغییر قانون اساسی و شکل حکومت را



به عنوان طرح براندازی قابل مجازات نمی‌دانند. علاوه بر این جزء دوم رکن مادی این جرم توسل به راه‌های غیر مشروع و فراقانونی جهت نیل به مقصود است؛ لذا اگر شهروندان در جلسات و مجامع خود یا از طریق نمایندگان خویش در پارلمان تغییر قانون اساسی را پی‌گیری کنند، چون وسیله غیر مشروع نیست، جرمی محقق نمی‌شود.^{۱۳}

با این توضیحات در پاسخ سؤال نخست بالا می‌توان گفت: با توجه به این‌که طبق ماده‌ی ۱۸۷ ق.م.ا. ریختن طرح براندازی و تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره برای براندازی جرم انگاری شده است، قانون‌گذار صرفاً در صدد جرم‌انگاری طرح‌های براندازی مسلحانه است و از نظر ظاهر این ماده، احزاب، گروه‌ها یا اشخاصی که از طریق مسالمت آمیز برای تغییر ساختار حکومت و ارائه‌ی طرح‌هایی جهت تغییر قانون اساسی یا بعضی نهادها یا رویه‌های سیاسی اقدام می‌کنند ولی وارد فاز مسلحانه نشده و نسبت به تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره اقدامی نکرده‌اند، مشمول حکم این ماده نیستند.

بنابراین می‌توان گفت رکن مادی جرم موضوع ماده‌ی ۱۸۷ ق.م.ا. مرکب از دو جزء است که اولی ریختن طرح براندازی است که می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و جزء دوم جمع آوری و تدارک سلاح و مواد منفجره است؛ به عبارت دیگر قانون‌گذار در زمان تصویب این ماده تحت تأثیر اوضاع و احوال کشور طرح براندازی نظامی و مسلحانه را جرم انگاری نموده و در عمل هم گروه‌ها و اشخاصی به عنوان گروه‌های برانداز تحت تعقیب قرار گرفته‌اند که با تدارک سلاح و تجهیزات قصد براندازی حکومت را از طریق جنگ‌های چریکی و پارتیزانی و ترور شخصیت‌های مؤثر داشتند.

از سوی دیگر تعیین کیفر محارب برای این قبیل افراد هر چند با گفتمان رایج فقهی در باره‌ی چگونگی تعامل با مخالفان حکومت اسلامی هم‌خوانی ندارد؛^{۱۴} در عین حال با توجه به عنصر تشهیر سلاح به معنای سلاح به دست گرفتن و توسل به خشونت - که از عناصر اساسی تحقق رکن مادی محاربه می‌باشد - تفسیر فوق را منطقی می‌نماید.

براین اساس در مواردی که انگیزه‌ی براندازی به عنوان هدفی نامشروع و ضد امنیتی توسط ابزارها و روش‌های قانونی و مشروع و با استفاده از



آزادی‌های مدنی و سیاسی از قبیل برگزاری تجمعات قانونی، انتشار کتاب و غیره تعقیب شود، نمی‌توان موضوع را مشمول عنوان طرح براندازی دانست و به صورت سخت افزاری و با اهرم کیفر و سرکوب به مقابله‌ی آن رفت؛ هر چند حکومت گزینه‌ی مقابله‌ی نرم افزاری و خنثی سازی توطئه‌ی احتمالی را از طریق رفع شبهات و نگرانی‌های مخالفان و توجه به مطالبات قانونی آنان در اختیار دارد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت مخالفانی که با ابزارهای قانونی و با استفاده از ظرفیت‌های تضمین شده در قانون اساسی هر کشور از جمله آزادی بیان و اجتماعات و گردش صحیح اطلاعات عدم رضایت خویش را از حاکمان و رویه‌های حکومتی اعلام می‌کنند، می‌توانند به عنوان مخالفان قانونی در حمایت قانون قرار گیرند و حکومت می‌تواند تهدیدات امنیتی آنان را به فرصت جلب رضایت و مشارکت هر چه بیشتر شهروندان و رفع اشکالات و ایرادات نهادها و رویه‌های خویش تبدیل نماید.^{۱۰}

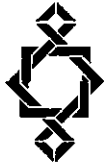
نکته‌ی دیگری که توجه به آن ضرورت دارد، این است که از نظر ماده‌ی ۱۸۷ ق.م.ا مرتکب جرم می‌تواند فرد یا گروه باشد. براین اساس از دیدگاه قانون‌گذار یک نفر هم می‌تواند طرح براندازی بریزد و وسایل و تجهیزات آن را تهیه کند؛ ولی مسلماً و بنا به قضاوت عرف یک فرد نمی‌تواند بدون داشتن همدست و همکار، حکومتی را براندازد؛ بنابراین اگر به امکان وقوع و عملی شدن طرح براندازی توجه داشته باشیم، احتمال براندازی حکومت توسط یک نفر احتمال بسیار نادری است؛ لذا می‌توان گفت قانون‌گذار به احتمال وقوع براندازی توجهی نداشته و همین که کسی طرح براندازی را بریزد و برای نیل به مقصود سلاح و اسباب لازم تهیه کند، جرم محقق شده و به تعبیر حقوق‌دانان مصری جرم تلاش و طراحی براندازی از «جرایم خطر» است و مقصود از خطر «ضرر محتمل» است؛ یعنی ضرری که مصلحت مورد حمایت قانون‌گذار را تهدید می‌کند و همین‌که خطر وجود داشته باشد، ضمانت اجرای کیفری برای حفظ مصلحت وجود دارد.^{۱۱} براین اساس اگر فرد یا گروهی - که طرح براندازی را تهیه کرده - به جای تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره اقدام به تبانی با عناصری در نیروهای مسلح و فرماندهان پایگاه‌های هوایی و زمینی و غیره نماید و مشارکت و همکاری یگان‌های تحت امر آن‌ها و تسلیحات نظامی و انبارهای مهمات در اختیار آنان را



به عنوان بازوی اجرایی طرح براندازی در نظر بگیرد، به نظر می‌رسد این اقدامات هم در حکم تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره است؛ لذا در بندهای سه گانه‌ی ماده‌ی ۲۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲ در اختیار قرار دادن پایگاه، تجهیزات یا ساز و برگ نظامی به دشمن^{۱۷} در صورتی که به منظور براندازی نظام باشد- مجازات محاربه را خواهد داشت. با این تفسیر می‌توان گفت مقصود قانون‌گذار از عبارت «و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند»، در ماده‌ی مورد بحث این است که مرتکب جهت اجرای طرح براندازی به تدارک امکانات تسلیحاتی و نظامی اقدام نموده باشد؛ نه این‌که به صورت فیزیکی انباری تهیه کرده و در آن انبار سلاح و مواد منفجره جهت اجرای طرح ذخیره نموده باشد.^{۱۸}

البته طرح مورد نظر باید به گونه‌ای باشد که بنا به قضاوت عرف، احتمال برانداخته شدن حکومت در نتیجه‌ی اجرای طرح بی‌رود.^{۱۹} تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره هم باید در حدی باشد که احتمال کارآیی آن در طرح براندازی وجود داشته باشد و الا اگر یک یا دو قبضه سلاح کمتری از کسی- که طرح براندازی را تهیه کرده- کشف شود، نمی‌توان گفت این شخص جهت اجرای طرح براندازی سلاح و مواد منفجره تهیه کرده است.^{۲۰} همچنین با توجه به این‌که قانون‌گذار تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره را شرط تحقق رکن مادی جرم دانسته است، اگر توطئه‌ی براندازی قبل از هر گونه اقدام کشف شود و بر اثر اعترافات طراحان و اسناد و مدارک، روشن شود که طراحان استفاده از نیروی نظامی و سلاح را هم جهت اجرای مقاصد خود بررسی کرده‌اند ولی اقدام عملی جهت تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره انجام نداده‌اند،^{۲۱} تفسیر مضیق قانون اقتضا می‌کند که رکن مادی جرم را محقق ندانیم و احتمالاً بتوانیم رفتار مرتکبان را در حد تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور بدانیم که در قسمت بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در حقوق انگلستان- همان‌گونه که اشاره شد- در مقررات قدیمی راجع به خیانت به کشور تأکید عمده بر وظیفه‌ی وفاداری شهروندان بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع نسبت به پادشاه و ملکه بوده و یکی از مصداق خیانت به پادشاه قصد کشتن پادشاه^{۲۲} است که تفسیرهای قضایی و توسعه و تضییق‌هایی که قضات در مفاد قانون خیانت^{۲۳} ۱۳۵۱ دادند، سبب شد موارد متعددی تحت عنوان



«خیانت‌های قانونی»^{۲۴} در رویه‌ی قضایی انگلستان مطرح شود که در حقیقت تفسیر قانون برحسب مقتضیات و نیازهای روز بود. از جمله در تفسیر بند اول قانون فوق- که به قصد کشتن شاه اشاره داشت- برخی حقوق‌دانان انگلیسی قصد پایان دادن به حیات سیاسی شاه یا ملکه را هم از مصادیق خیانت دانستند که می‌تواند از طریق طرح ریزی انقلاب یا طغیان داخلی یا تحریک بیگانگان به حمله به انگلستان برای خاتمه دادن به حکومت باشد. در عین حال تفسیرهای قضایی بر این موضوع تأکید دارند که صرف طرح و اندیشه‌ی کشتن پادشاه از طریق طغیان داخلی کافی نیست؛ بلکه باید یک عمل آشکار^{۲۵} در راستای نشان دادن و ابراز قصد مجرمانه انجام شود. به تعبیر یکی از حقوق‌دانان در اینجا صرف قصد کشتن شاه یا طرح ریزی پایان دادن به حیات سیاسی شاه رکن مادی جرم است و عمل خارجی به عنوان دلیلی برای اثبات آن به کار می‌رود.^{۲۶}

نتیجه این‌که طرح براندازی در حقوق ایران، مصر و انگلستان مورد جرم‌انگاری قرار گرفته؛ اما در حقوق انگلستان هر گونه عملی که کاشف از این قصد باشد، برای تحقق جرم کفایت می‌کند و نیازی به جمع آوری و تدارک سلاح نیست. در حقوق مصر تفسیر محدودتری شده و طرح براندازی در صورتی که در حد شروع به جرم باشد و توسل به قوه (راه‌های غیر مشروع) برای اجرای طرح صورت بگیرد، جرم محقق است. در حقوق ایران طرح براندازی که ممکن است توسط یک فرد یا جمعی از افراد تهیه شود، اگر مقارن با تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره باشد، عنوان محاربه و افساد فی الارض را دارد اما اگر تهیه‌ی سلاح و مواد منفجره به قصد براندازی نیست یا قصد تغییرات ساختاری در حکومت با استفاده از راه‌های مشروع و قانونی تعقیب شود، عمل مشمول طرح براندازی منعکس در ماده‌ی ۱۸۷ ق.م.ا. نبوده و از این حیث قابل تعقیب نیست؛ ولی ممکن است موضوع تحت عناوین دیگری از جمله تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور قرار گیرد که در ذیل بحث خواهد شد.

د- مرز تبانی جنایی و طرح براندازی

مقصود از تبانی در حقوق کیفری اتفاق دو یا چند نفر در ارتکاب جرم است. ماده‌ی ۴۸ قانون مجازات مصر در این باره می‌گوید: «هرگاه دو نفر یا



بیشتر به ارتکاب جنحه یا جنایت یا اعمال تجهیز کننده یا تسهیل کننده‌ی آن متفق شوند، تبانی کیفری محقق می‌شود.»^{۲۷} تبانی برای ارتکاب هر جرمی امکان‌پذیر است و اختصاص به جرم یا جرایم خاصی ندارد. همچنین سیاست کیفری کشورها در جرم انگاری تبانی به گونه‌های متفاوتی است.^{۲۸} در بعضی نظام‌های حقوقی تبانی به صورت کلی جرم دانسته شده و اختصاص به جرایم علیه امنیت ندارد؛ هر چند ممکن است در جرایم علیه امنیت، تبانی با واکنش شدیدتری همراه باشد که نظام‌های حقوقی مصر و انگلستان در این دسته قرار می‌گیرند.^{۲۹} در نظام حقوقی ایران هر چند در مواد عمومی قانون مجازات اسلامی از تبانی بحثی نشده؛ اما ماده‌ی ۶۱۱ ق.م.ا تبانی علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم را تحت شرایطی جرم دانسته و در ماده‌ی ۶۱۰ هم به تبانی در ارتکاب جرایم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور اشاره شده است.

با این مقدمه سؤالی که در اینجا پرداختن به آن ضرورت دارد، تعیین مرز حائل میان «تبانی بر ضد امنیت کشور» و «طرح براندازی» است. با توجه به این‌که از نظر طبیعت رفتار، تبانی برای براندازی و طرح براندازی هر دو از اعمال مقدماتی به حساب می‌آیند، ناگزیر باید مرز تفکیک کننده‌ی آن‌ها را میزان تظاهر بیرونی و از قوه به فعل درآمدن نیت مجرمانه دانست. بدین ترتیب در جمع میان مواد ۱۸۷ و ۶۱۰ ق.م.ا باید گفت اگر اشخاص و گروه‌هایی که قصد براندازی حکومت را دارند، در مطلی جهت تبادل نظر و بررسی راه‌های فراقانونی تغییر ساختار حکومت اجتماع نمایند، یا پس از تعیین استراتژی و راه‌کار جهت تهیه‌ی وسایل و امکانات اجرای طرح خویش اجتماع نمایند، رفتار آن‌ها در حد تبانی و منطبق با ماده‌ی ۶۱۰ ق.م.ا خواهد بود. کما این‌که تشکیل اجتماع و گردهم‌آیی برای بررسی و هم‌آهنگی در راستای مخالفت قانونی و مسالمت آمیز با حکومت فاقد رکن قانونی و جرم نخواهد بود؛^{۳۰} ولی اگر عملیات مقدماتی و توطئه بر ضد امنیت کشور به مرحله‌ی تهیه‌ی طرح براندازی و تدارک سلاح و مواد منفجره برای اجرای طرح رسیده است، موضوع تحت عنوان «طرح براندازی و تهیه‌ی سلاح» به عنوان رکن مادی ماده‌ی ۱۸۷ ق.م.ا قابل رسیدگی خواهد بود.

این تفکیک بین تبانی و طرح براندازی در حقوق مصر هم مورد توجه قرار گرفته و با توجه به این‌که ماده‌ی ۹۶ قانون مجازات این کشور به «اتفاق جنایی»



بر ضد امنیت کشور اشاره کرده است و با توجه به کلمه‌ی «حاول» که در ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات مصر رکن مادی طرح براندازی دانسته شده است، به تعبیر حقوق‌دانان مصری صرف گفت‌وگوی شفاهی، کتبی و یا تبانی و تشکیل جلسات و مجامع و تبادل افکار در راستای براندازی حکومت یا تغییر قانون اساسی و شکل حکومت را به عنوان طرح براندازی قابل تعقیب نمی‌دانند. بنابراین اگر صرفاً اتفاق جنایی برای انجام این اعمال صورت گیرد و در مرحله‌ای که اعضا نحوه‌ی موفقیت را بررسی می‌کنند، دستگیر شوند، جرم موضوع ماده‌ی ۸۷ تحقق نیافته بلکه صرفاً جرم تبانی موضوع ماده‌ی ۹۶ محقق شده است.^{۳۱} از نظر حقوق انگلستان که قصد قتل پادشاه یا جنگ افروزی علیه شاه^{۳۲} از مصادیق مهم خیانت است، تبانی برای کشتن شاه به عنوان یک عمل آشکار^{۳۳} تلقی شده که چنانچه توسط هیئت منصفه احراز شود، مجازات خیانت نسبت به متهم اعمال می‌شود.^{۳۴}

از نظر محل وقوع جرم تبانی و امکان تعقیب آن به ویژه این‌که معمولاً گروه مخالف برانداز در خارج از مرزهای ملی استقرار دارد، می‌توان گفت نظر به این‌که تبانی نوعی اقدام علیه حکومت و امنیت داخلی کشور محسوب می‌شود، مشمول ماده‌ی ۵ ق.م.ا و از موارد صلاحیت واقعی دادگاه‌های ایران است. ضمن این‌که اگر تبانی را جرم مستمر بدانیم، به محض ورود شخص یا اشخاصی - که جهت براندازی تبانی کرده‌اند - به کشور، به عنوان ارتکاب جرم در ایران هم قابل تعقیب خواهند بود. از نظر حقوق مصر هم برابر ماده‌ی ۲ قانون مجازات این کشور ارتکاب جنایتی که محل امنیت حکومت است ولو در خارج از کشور انجام شود، در صلاحیت دادگاه‌های این کشور است.^{۳۵} از نظر حقوق انگلستان هرکس که شهروند یا تبعه‌ی بریتانیا است ولو در خارج این کشور ساکن باشد، اگر مرتکب خیانت شود، از نظر دادگاه‌های آن کشور قابل تعقیب است.^{۳۶} نتیجه این‌که برابر قوانین فعلی ایران، مصر و انگلستان اگر فرد یا افرادی در خارج از کشور برای براندازی حکومت تبانی کنند، از طرف دادگاه‌های این کشورها قابل تعقیب هستند و در حقوق ایران و مصر میان اتباع و بیگانگان تفاوتی نیست؛ ولی در حقوق انگلستان ارتکاب این جرم در صورتی که در خارج از کشور انجام شود، فقط نسبت به اتباع بریتانیا قابل تعقیب است.



با توجه به مباحث این بند می‌توان گفت براندازی به عنوان یک جرم علیه امنیت و موجودیت دولت در دو مرحله‌ی مقدماتی قابل پیش‌گیری و تعقیب است؛ مرحله‌ی اول مرحله‌ای است که اتفاق و تبانی برای براندازی بین دو یا چند نفر صورت گرفته باشد و مرحله‌ی دوم مرحله‌ای است که اشخاصی که اتفاق و تبانی برای براندازی کرده‌اند، برای عملی کردن توافقات خویش گام‌های عملی برداشته‌اند.

۵- پاسخ کیفی به طرح براندازی

علی‌رغم این‌که بنا بر محدودترین تعریف از جرم سیاسی طرح براندازی- که هم از جهت طبیعت رفتار علیه دولت و نظام سیاسی حاکم است و هم از جهت قصد و انگیزه‌ی مرتکبان، به منظور سرنگونی نظام سیاسی مستقر انجام می‌شود- از مصادیق قطعی جرایم سیاسی است،^{۳۷} در نظام‌های سیاسی مورد بحث در حال حاضر تعریفی از جرم سیاسی وجود ندارد و در نتیجه جرم براندازی، طرح براندازی یا تبانی برای براندازی از زمره‌ی جرایم سیاسی به حساب نمی‌آیند.

در حقوق اسلام گفتمان مترقی و شایسته‌ای در باره‌ی جداسازی جرایم سیاسی از جرایم عادی وجود دارد که به صورت عمده به رفتارهای مسالمت‌آمیز و غیر سرکوبگر حضرت علی (ع) در مواجهه با مخالفان سیاسی حکومت ایشان اشاره دارد. این بحث که در کلمات محدثان، فقیهان و تاریخ‌نویسان شیعه و اهل سنت به خوبی پی‌گیری و تعقیب شده، تحت عنوان «احکام قتال بغات» یا «باب قتال اهل البغی» در کتاب‌های فقهی و روایی جایگاه ویژه‌ای داشته و با توجه به حوادث سیاسی صدر اسلام و به ویژه جنگ‌های داخلی زمان حضرت علی (ع) همواره مورد توجه بوده است.^{۳۸} ویژگی عمده‌ی احکام راجع به مواجهه با باغیان به عنوان مسلمانانی که دارای یک دیدگاه یا ایدئولوژی (تأویل یا شبهه) مخالف با حکومت اسلامی یا حاکم هستند و برای براندازی و سرنگونی حکومت اسلامی قیام (خروج) کرده‌اند،^{۳۹} این است که حاکم اسلامی قبل از هر گونه اقدام و مقابله‌ی خشونت‌آمیز و سرکوبگر با باغیان وظیفه دارد نسبت به پاسخ‌گویی به مطالبات آنان و رفع شبهه‌ی ایشان اقدام کند و توسل به خشونت و مقابله با اهل بغی در



مقام ضرورت و در حد دفع فتنه‌ی آنان و از نظر ماهیت، دفاعی و در حد دفع و رفع فتنه است. این گفتمان مترقی که با دست‌آوردهای حقوق مدرن مبنی بر لزوم تمایز میان مجرمان سیاسی و عادی هم‌آهنگی دارد و می‌تواند به عنوان آموزه‌های شریعت اسلام به دنیای مدرن عرضه شود، با کمال تأسف از همان صدر اسلام و توسط کسانی که به نام اسلام حکومت می‌کردند، متروک شده و به صورت سؤال برانگیزی احکام راجع به بغی با مقررات راجع به محاربه و افساد فی الارض در هم آمیخته و حاکمان اسلامی همیشه تمایل داشته‌اند مخالفان حکومت خویش را به جای «باغی»، «محارب» بنامند.

این وضعیت در قانون مجازات اسلامی ایران هم مشاهده می‌گردد و با بررسی مقررات موضوعه‌ی ایران پس از انقلاب اسلامی سخنی از بغی به میان نیامده و در غالب مواردی که برای جرایم دارای ماهیت سیاسی مجازات شرعی مقرر شده، «حد محاربه و افساد فی الارض» مطرح گردیده است. جالب این‌که علاوه بر تعارض این مقررات با گفتمان فقهی سابق الذکر، نویسندگان و حقوق‌دانان بعد از انقلاب اسلامی هم - که در مقاطع مختلف زمانی در مصدر امور و مسئولیت‌های قضایی و حقوقی بوده‌اند - از عمل‌کرد قانون‌گذار در به هم آمیختن احکام راجع به بغی با احکام و شرایط مربوط به حد محاربه انتقاد کرده‌اند؛^۴ ولی تاکنون اراده‌ای در راستای اصلاح یا تغییر مقررات مذکور متبلور نشده است.

بدین ترتیب روشن گردید که طرح براندازی از نظر قانون مجازات اسلامی ایران با پاسخ و کیفر محاربه مواجه است و برابر ماده‌ی ۱۸۷ قانون مجازات اسلامی هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و بدین منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند، محارب محسوب می‌شود؛ بنابراین با توجه به مجازات‌های حدی چهارگانه‌ی منعکس در ماده‌ی ۱۹۰ ق.م.ا مرتکبان این جرم به یکی از مجازات‌های مذکور و بر اساس اختیار دادگاه محکوم خواهند گردید.

در حقوق مصر و در ماده‌ی ۸۷ قانون مجازات این کشور، مجازات تلاش برای قلب یا تغییر قانون اساسی، نظام جمهوری یا شکل حکومت حبس با اعمال شاقه به صورت دائمی یا موقت است و در صورتی که جرم از طرف گروهی و به

صورت مسلحانه انجام شود، تشکیل دهنده و رهبر آن گروه مسلح به اعدام محکوم می‌شوند.

در حقوق انگلستان هر چند در باره‌ی جرم خیانت و تصمیم به قتل یا براندازی پادشاه یا دولت مجازات‌های سخت و دهشتناکی برقرار بوده است؛ ولی در سال ۱۹۹۸ و به دنبال گزارش سرویس امنیت داخلی این کشور (M.I.5)^{۴۱} مبنی بر عدم تهدید و خطر براندازی نسبت به دموکراسی پارلمانی این کشور، مجازات اعدام در موارد خیانت به کشور به «حبس ابد الزامی»^{۴۲} کاهش یافت. ماده‌ی ۳۶ «قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸»^{۴۳} به عنوان لغو آخرین موارد مجازات اعدام در حقوق انگلستان، مجازات اعدام مندرج در قوانین سابق این کشور و جمهوری ایرلند در مورد خیانت و دزدی دریایی را لغو و به جای آن مجازات حبس ابد الزامی مقرر کرده است؛ بنابراین در مقایسه‌ی نظام‌های حقوقی ایران، مصر و انگلستان می‌توان گفت در حال حاضر مجازات اصلی طرح براندازی در حقوق مصر و انگلستان حبس است و در حقوق ایران - هر چند قاضی در تعیین مجازات برای طرح براندازی بین مجازات‌های چهارگانه‌ی مندرج در ماده‌ی ۱۹۰ ق.م.ا. مخیر است - به هر حال گزینه‌ی مجازات اعدام در مورد این جرم پیش روی قاضی کیفری قرار دارد که امیدواریم با تعریف جرم سیاسی و اصلاح قانون مجازات اسلامی شاهد لغو مجازات اعدام در جرایم دارای ماهیت سیاسی باشیم.

و- نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که جرم براندازی از جرایمی است که مورد حساسیت نظام‌های سیاسی است و به دلیل طبیعت خاص آن - که در صورت تحقق عملی یافتن امکان تعقیب و سرکوب از دست حاکمان سابق خارج می‌گردد - در همه‌ی نظام‌های سیاسی و از جمله نظام‌های حقوقی ایران، مصر و انگلستان، عملیات و اقدامات مقدماتی یا تلاش برای سرنگون سازی نظم مستقر جرم انگاری شده است. طرح براندازی حکومت از نظر طبیعت رفتار مجرمانه نوعی عملیات مقدماتی و تلاش برای تغییرات ساختاری در حکومت است. تفاوت طرح براندازی با تبانی علیه امنیت کشور در تظاهر بیرونی رفتار و میزان به فعلیت درآمدن نیت مجرمانه است. از نظر حقوق ایران، مصر و انگلستان





اگر فرد یا گروهی بخواهد با توسل به زور و راه‌های فرا قانونی حکومت را تغییر دهد و در این راستا به جمع آوری استعداد و امکانات نظامی و تسلیحاتی اقدام کند، تحت عنوان تلاش برای براندازی، طرح کودتا یا طرح قیام و شورش قابل تعقیب خواهد بود؛ ولی تلاش‌های مسالمت آمیز در راستای تغییر و اصلاح حکومت، واجد وصف مجرمانه نیست. در حقوق اسلام گفتمان ویژه‌ای در باره‌ی تعامل با مخالفان سیاسی حکومت اسلامی وجود دارد که در قوانین کیفری کشورهای اسلامی از جمله در قانون مجازات اسلامی ایران از این گفتمان به دلایل نامعلومی عدول شده است. مجازات طرح براندازی در حقوق ایران مجازات محارب و در حقوق مصر حبس با اعمال شاقه به صورت دائم یا موقت است و برای رهبران گروه‌های مسلحی که در صدد براندازی حکومت برآیند، مجازات اعدام مقرر گردیده و در حقوق انگلستان پس از لغو آخرین موارد مجازات اعدام در سال ۱۹۹۸ مجازات این جرم حبس ابد می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Cont de Montefort.

۲. محمد تقی دامغانی، *اولین قوانین ایران*، تهران، انتشارات بهزاد، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۷.

۳. نجفعلی میرزائی، *فرهنگ اصطلاحات معاصر*، قم، نشر مهر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

4. Treason.

5. Treason Act 1351.

6. Smith & Hogan, *Criminal Law*, Butter Worths, 10th ed., Great Britain, 2002, p. 821.

7. Overt act.

۸. «انه يعاقب بالاشغال الشاقه المؤبده او الموقته كل من حاول بالقوه قلب او تغيير دستور الدوله او نظامها الجمهوری او شكل الحکومه ...» (احمد صبحی العطار، *جرائم المصلحه العامه*، الهيئه المصريه العامه للكتاب، بی‌تا، ص ۱۳۱).

۹. نجفعلی میرزائی، پیشین، ماده‌ی حایل.

۱۰. احمد صبجی العطار، پیشین، ص ۱۴۲.

۱۱. همان، ص ۱۴۵.

۱۲. همان، ص ۱۴۶.

۱۳. رمسیس بهنام، *الجرائم العسیره بالمصلحه العمومیه*، مصر، منشأه المعارف بالاسکندریه، بی تا.

۱۴. از نظر فقهی قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی تحت عنوان بغی قرار می گیرد و فقیهان اهل سنت و شیعه در ذیل باب قتل با باغیان به احکام و ویژگی های مبارزه با باغیان پرداخته اند.

۱۵. از دیدگاه عالمان سیاست اپوزیسیون کلی یعنی مخالفان ساختاری با کل نظام که مخالفت خود را به شکل شورش، توطئه، مقاومت مسلحانه، فعالیت زیر زمینی و ترور ابراز می کنند، نیروی برانداز هستند. اما اپوزیسیون قدرت طلب شامل جناح های رقیب سیاسی - که هدف آنها بیشتر تصرف کرسی های قدرت است - یا اپوزیسیون اصولی - که بدون نفی اصل نظام به نقد سیاست های رایج می پردازد - نیروی برانداز نیستند؛ حسین بشیریه، *دولت عقل (ده گفتار در فلسفه و جامعه شناسی سیاسی)*، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۴۹.

۱۶. سمیر عالی، *الوجیز فی شرح الجرائم الواقعه علی امن الدوله*، بیروت، مؤسسه الجامعه للدراسات والنشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۹۹۵، ص ۵۷.

۱۷. طبق ماده ی ۲۵ قانون مجازات نیروهای مسلح ۱۳۸۲، منظور از دشمن عبارت است از: اشراک، گروه ها و دولت هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ هستند یا قصد براندازی آن را دارند یا اقدامات آنان ضد امنیت ملی است.

۱۸. برای نظر مخالف رجوع شود به سید علی حسینی، *جرم براندازی در قانون مجازات اسلامی*، روزنامه ی همشهری، شماره ۲۵۶۱، مورخ ۸/۸/۸۰، ص ۱۶.

۱۹. حسین میر محمد صادقی، *حقوق جزای اختصاصی ۳*، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۵۷.

۲۰. سید علی حسینی، پیشین.

۲۱- در اطلاعیه ی دادگاه انقلاب اسلامی تهران در باره ی بعضی دستگیرشدگان به اتهام براندازی آمده است: «در یکی از جلسات این گروه راه کار مسلحانه نیز به عنوان یک





تاکتیک و نه استراتژی مورد بحث قرار گرفته است و عنوان شده گه‌گاه ترور نیز مفید است.»

22. Compassing the death of the King.

23. Treason act 1351.

24. Constructive treason.

25. Overt act.

۲۶. حسین میر محمد صادقی، پیشین، ص ۲۸.

۲۷. مصطفی مجدی هرجه، *التعليق على قانون العقوبات فى ضوء الفقه والقضاء و التشريع*، مصر، دار المطبوعات الجامعيه، چاپ دوم، ۱۹۹۵، ص ۲۸۵.

۲۸. حسین میر محمد صادقی، پیشین، ص ۲۳.

۲۹. حسین آقابابائی، *مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران، مصر و انگلستان در قبال جرم براندازی*، رساله‌ی دکتری مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷.

۳۰. حسین میر محمد صادقی، پیشین، ص ۲۲۳.

۳۱. احمد صبحی العطار، پیشین، ص ۱۴۶.

32. Levying war against the King.

33. Overt act.

34. Card, Cross and Jones, *Criminal Law*, Butter Worths, London, 1998, p. 826.

۳۵. ماده‌ی ۲ قانون مجازات مصر می‌گوید: «تسری احکام هذا القانون ایضا على الاشخاص الاتی ذکرهم، اولاً... ثانياً: کل من ارتكب فى خارج القطر جريمه من الجرائم الآتیة: ۱- جنایه مخله بامن الحکومه مما نص علیه فى البابين الاول والثانى...»

36. Smith & Hogan, op. cit, p. 829.

۳۷. حسین آقابابائی، پیشین، ص ۱۲۹.

۳۸. برای آگاهی از تلاش فقیهان شیعه و اهل سنت جهت ترویج و بازتولید رفتار حضرت علی (ع) با مخالفان سیاسی رجوع شود به:

Khaled Abou El Fadl, *Rebellion and Violence in Islamic Law*, Cambridge University Press, UK, 2001.





۳۹. برای مطالعه‌ی شرایط و ارکان تحقق بغی رجوع شود به: شیخ طوسی، المیسوط، ج ۷، ص ۲۶۴؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ص ۵۲۲؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۲؛ سید محمد حسینی شیرازی، الفقه، ج ۴۸، ص ۱۳۱؛ وهبه الزحیلی، الفقه المالکی المیسر، ج سوم، ص ۴۵۱ و عبدالقادر عوده، التشریح الجنائی، ج ۲، ص ۶۷۴.

۴۰. به عنوان نمونه مراجعه شود به: سید محمد حسن مرعشی، افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل، مجله‌ی قضائی و حقوقی دادگستری، شماره‌ی دوم، ۱۳۷۰، ص ۴۳؛ سید محمودی شاهرودی، بایسته‌های فقه جزا، ص ۲۳۲؛ محمد جعفر حبیب زاده، محاربه و افساد فی الارض، ص ۱۸۵ و غلامحسین الهام، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و قوانین موضوعه، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی دهم، ص ۴۵ و حسین میر محمد صادقی، پیشین، ص ۵۶.

41. M.I.5, The Security Service, 3rd ed., London, 1998.

42. Mandatory life imprisonment.

43. Crime & Disorder act 1998.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی